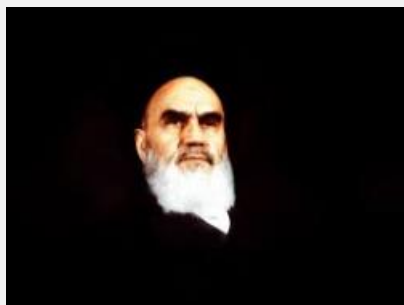


قرآن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)

قرآن‌شناسان تاکنون قرآن را از زاویه‌های مختلف نگاه کرده‌اند. همچنین افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) به عنوان یک قرآن‌شناس برجسته و تأثیرگذار بر مسلمانان از جهات گوناگون بررسی و تحقیق شده است.



قرآن‌شناسان تاکنون قرآن را از زاویه‌های مختلف نگاه کرده‌اند. همچنین افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) به عنوان یک قرآن‌شناس برجسته و تأثیرگذار بر مسلمانان از جهات گوناگون بررسی و تحقیق شده است.

مقاله حاضر کوشیده است تا قرآن‌شناسی امام را از نظر راه و رسم برخورداری از قرآن طرح و شرح کند. ما امیدواریم که این مقاله از یک سو فتح بابی باشد برای قرآن‌شناسی دیگران و از سوی دیگر، گامی هرچند کوچک در فراخوانی از همه آنان که مایلند در ویژه‌نامه قرآن‌شناسی امام خمینی ما را یاری رسانند.

* گلستان قرآن

این کتاب بزرگ الهی که از عالم غیب الهی و قرب ربوبی نازل شده... از بزرگترین مظاهر رحمت مطلقه الهیه است. این مطلبی است که امام خمینی در کتاب آداب الصلوة عنوان کرده‌اند.

قرآن شریف به قدری جامع لطائف و حقائق و سرائر و دقائق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند. این، اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است، نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام احکام و اتقان تنظیم عاقله و امثال آن، که هر یک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و خارق عادت است.

بلکه می‌توان گفت این که قرآن شریف معروف به فصاحت شد و این اعجاز در بین سایر معجزات مشهور آفاق شد، برای این بود که در صدر اول اعراب را این تخصص بود و فقط این جهت از اعجاز را درک می‌کردند و جهت مهم‌تری که در آن موجود بود و جهت اعجازش بالاتر و پایه ادراکش عالی‌تر بود اعراب آن زمان درک نکردند. الآن نیز آنهایی که هم افق آنها هستند، جزء ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعی و بیانیه چیزی از این لطیفه الهیه ادراک نکنند.¹

قرآن یک سفره گسترده‌ای است که همه از آن استفاده می‌کنند، منتها هر کس به وضعی استفاده می‌کند.² آن برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عایله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند. این صحیفه الهیه، کتاب احیای قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است. این کتاب خداست و به شئون الهیه جل و علا دعوت می‌کند.⁴

* اهداف و مقاصد نزول قرآن

ما باید مقصود از تنزیل این کتاب را قطع نظر از جهات برهانی، که خود به ما مقصد را می‌فهماند، از خود کتاب خدا اخذ کنیم. صاحب کتاب مقصد خود را بهتر می‌داند. اکنون به فرموده‌های این مصنف راجع به شئون قرآن نظر می‌کنیم، می‌بینیم خود می‌فرماید: "ذالک الکتاب لاریب فیه هدی" للمتقین". این کتاب را کتاب هدایت خوانده است.

می‌بینیم در یک سوره کوچک چندین مرتبه می‌فرماید:

"ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مذكر" می‌بینیم می‌فرماید "وانزلنا الیک الذکر تبیین للناس ما نزل الیهم و لعلمهم یتفکرون". می‌فرماید: "کتاب انزلناه مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب".

(سوره ص آیه 29)

بدان که این کتاب شریف، چنانچه خود بدان تصریح فرموده، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است.

بالجمله، خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از مقام قرب و قدسی خود نازل فرموده و بر حسب تناسب عوالم تنزل داده تا به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت رسیده و به کسوه الفاظ و صورت حروف درآمده، برای استخلاص مسجونین در این زندان تاریک دنیا رهائی مغلولین در زنجیرهای آمال و امانی و رساندن آنها از حسیض نقص و ضعف و حیوانیت به اوج کمال و قوت و انسانیت.⁵

پاورقیها:

1- آداب الصلوة، ص 263-264

2- صحیفه نور، ج 19، ص 84

3- همان، ج 21، ص 170

4- آداب الصلوة، ص 193-194

5 - همان، ص 184-185

اتصال معنویت به مادیات و انعکاس معنویت در همه جهات مادیت از خصوصیات قرآن است که افاضه فرموده است. قرآن در

عین حالی که یک کتاب معنوی، عرفانی و آنطوری است که به دست ماها، به خیال ماها، به خیال جبریل امین هم نمی‌رسد، در عین حال یک کتابی است که تهذیب اخلاق می‌کند، استدلال هم می‌کند، حکومت هم می‌کند، و وحدت را هم سفارش می‌کند و قتال را هم سفارش می‌کند

[آرمان اصلی وحی این بوده است که برای بشر معرفت ایجاد کند، معرفت به حق تعالی در راس همه امور این معناست. اگر تزکیه گفته شده و دنبالش تعلیم گفته شده است، برای این است که نفوس تا تزکیه نشوند نمی‌توانند برسند. 9] از مقاصد و مطالب آن، دعوت به تهذیب نفوس و تطهیر بواطن از ارجاس طبیعت و تحصیل سعادت و بالجمله، کیفیت سیر و سلوک الی الله است 10

قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است با رساله‌های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است. 11 کتابی است که آدمی باید از اینجا تا آخر دنیا و تا آخر مراتب حرکت بکند، یک همچو کتابی است که هم معنویات انسان را درست می‌کند و هم حکومت را درست می‌کند، همه چیز توی قرآن هست. 12 قرآن کتاب تعمیر مادیات نیست. همه چیز است. انسان را به تمام ابعاد تربیت می‌کند، مادیات را در پناه معنویات قبول دارد، و مادیات را تبع معنویات قرار می‌دهد. 13 ما یک همچو کتابی داریم که مصالح شخصی، مصالح اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن هست. قرآن مشتمل بر تمام معارف است و تمام مایحتاج بشر است. 15 انگیزه بعثت بسط این سفره در بین بشر از زمان نزول تا آخر است این یکی از انگیزه‌های کتاب است و انگیزه بعثت است. «بعث الیکم» رسولی را که تلاوت می‌کند بر شما قرآن را، آیات الهی را، ویزکیهم و یعلمهم الکتاب الحکمه» این شاید غایب این تلاوت باشد، تلاوت می‌کند برای تزکیه و برای تعلیم و برای تعلیم همگانی، تعلیم همین کتاب و تعلیم حکمت که آن هم از همین کتاب است. پس انگیزه بعثت نزول قرآن است و انگیزه تلاوت قرآن بر بشر این است که تزکیه پیدا کنند و نفوس مصفا بشوند از این ظلماتی که در آنها موجود است تا اینکه بعد از اینکه نفوس مصفا شدند، ارواح و اذهان آنها قابل این بشود که کتاب و حکمت را بفهمند. 16 انگیزه نزول این کتاب مقدس این است که این کتاب در دسترس همه قرار بگیرد و همه از او به اندازه سعه وجودی و فکری خودشان استفاده کنند. 17

*مهجوریت قرآن و راه‌های رهایی از آن

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم. مسایل اسف انگیزی که باید برای آنها خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی شروع شده است. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقائق را با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن در حقیقت، قرآن را، که برای بشر تا ورود به حوض، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست از صحنه خارج کردند و هر چه این بنیان کج به جلو آمد، کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد.

تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان، بلکه عایله بشری، از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی تنزل کرد، که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده «علم الاسماء» را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رها سازد، و جهان را به قسط و عدل برساند و حکومت را به دست اولیاء الله معصومین، علیهم صلوات الاولین و الاخرین بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد... و معالاف به دست دشمنان توطیه‌گر و دوستان جاهل، قرآن، این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آن که باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد. 18

ای قرآن، ای تحفه آسمانی و ای هدیه رحمانی! تو را خدای جهان برای زنده کردن دل‌های ما و باز کردن گوش و چشم توده مردم فرستاد، تو نور هدایت و رهنمای سعادت ما هستی تو ما را از منزل حیوانی می‌خواهی به اوج انسانی وجود رحمانی برسانی، فسوسا که آدمیزادگان قدر تو را ندانسته و پیروی تو را فرض خود نشمردند، اسفا که قانون‌های تو در جهان عمل نشد تا همین ظلمتخانه و جایگاه مشتی وحشیان و درندگان که خود رامتمدنین جهان می‌دانند، رشک بهشت برین شود و عروس سعادت در همین جهان در آغوش همه درآید. 19

اسلام همه چیز برای مسلمین آورده است، همه چیز، قرآن در آن همه چیز است لکن معالاف ما استفاده از آن نکرده‌ایم و مسلمین مهجوریت کردند یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند نکردند. 20

قرآن و اسلام مهجور و مظلوم‌اند، برای اینکه مهجوریت قرآن و مهجوریت اسلام به این است که مسایل مهم قرآنی و مسایل مهم اسلامی یا به کلی مهجور است یا برخلاف آنها بسیاری از دولت‌های اسلامی قیام کرده‌اند. 21

بر قرآن آموز و آنکه از قرآن بهره می‌برد لازم است که یکی دیگر از آداب مهمه را به کار بندد تا استفاده حاصل شود و آن رفع موانع است که ما از آنها تعبیر می‌کنیم به حجب بین مستفید قرآن. این حجابها بسیار است که ما به بعضی از آنها اشاره می‌نماییم.

از حجاب‌های بزرگ، حجاب خودبینی است که شخص متعلم، خود را به واسطه این حجاب مستغنی بیند و نیازمند استفاده نداند. و این از شاهکارهای مهم شیطان است که همیشه کمالات مرهومه را بر انسان جلوه دهد و انسان را به آنچه که دارد راضی و قانع کند و ماورای آنچه پیش اوست، هر چیز را از چشم او ساقط کند. مثلاً اهل تجوید را به همان علم جزیبی قانع کند و

آن را در نظر آنها جلوه‌های فراوان دهد و دیگر علوم را از نظر آنها بیفکند و حمله قرآن را پیش آنها به خود آنها تطبیق دهد و آنها را از فهم کتاب نورانی الهی و استفاده از آن محروم کند و اصحاب ادبیت را به همان صورت بی‌مغز راضی کند و تمام شؤون قرآن را در همان که پیش آنهاست نمایش دهد. و اهل تفاسیر به طور معمول را سرگرم کند به وجوه قریایات و آرای مختلف از باب لغت و وقت نزول و شأن نزول و مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال این امور... شخص مستفید باید تمام این حجب را خرق کند و از ماورای این حجب به قرآن نظر کند و در هیچیک از این حجاب‌ها توقف نکند که از قافله سالکان الی الله باز ماند و از دعوت‌های شیرین الهی محروم شود. 22

یکی دیگر از حجاب‌هایی که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست. و تفکر و تدبر را به تفسیر به رای که ممنوع است، اشتباه نمودند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری و قرآن را به کلی مهجور نموده‌اند در صورتی که استفاده اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد. 23

یکی دیگر از حجب که مانع از فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواظب این کتاب آسمانی است، حجاب معاصی و کدورات حاصله از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت پروردگار عالمیان است که قلب را حجب شود از ادراک حقایق. 24

از حجب غلیظه، که پرده ضخیم است بین ما و معارف و مواظب قرآن، حجاب حب دنیا است که به واسطه آن قلب تمام هم خود را صرف آن کند و وجهه قلب یکسره دنیوی شود و قلب به واسطه این محبت از ذکر خدا غافل شود و از ذکر و مذکور اعراض کند. و هرچه علاقه‌مندی به دنیا و اوضاع آن زیادت شود، پرده و حجاب قلب ضخیم‌تر گردد. 25

مادامی که انسان در حجاب خود هست نمی‌تواند این قرآن را که نور است و به حسب فرمایش خود قرآن، نور است، نور را کسانی که در حجاب هستند پشت حجاب‌های زیاد هستند، نمی‌توانند ادراک کنند. گمان می‌کنند که می‌توانند اما نمی‌توانند. تا انسان از حجاب‌های بسیار ظلمانی خود خارج نشود، تا گرفتار هواهای نفسانی است، تا گرفتار خودبینی‌هاست، تا گرفتار چیزهایی است که در باطن خود ایجاد کرده است از ظلماتی که بعضی‌ها فوق بعض است، لیاقت پیدا نمی‌کند انسان که این نور الهی در قلب او منعکس شود. 26

راه‌های ترویج قرآن (اصول ترویج قرآن)

یکی از وصایای رسول اکرم (ص) وصیت به تلاوت قرآن است. و فضل تلاوت و حفظ و حمل و تمسک و تعلم و مداومت و مزاولت و تدبر در معانی و اسرار آن بیش از آن است که به فهم قاصر ما درست آید و آنچه از اهل بیت عصمت -علیهم السلام- درخصوص آن وارد شده است در این اوراق نگنجد؛ و ما به بعض آن قناعت می‌کنیم فرموده: قرآن عهد خداوند است به سوی بندگان؛ همانا سزاوار است که هر فرد مسلمانی در هر روز به آن عهد نظر کند و از آن پنجاه آیه قرائت کند. فرمود حضرت سجاد علیه السلام- که آیات قرآن خزانه‌هایی است، پس هر وقت گشوده شد خزینه‌ای، سزاوار است که نظر کنی در آن. و در اخبار رجوع به آن و تدبر در معانی آن بسیار وارد است. و در حدیث است که: مؤمنی که قرائت قرآن کند در حال جوانی، داخل شود قرآن به گوشت و خون او، و او را خداوند با سفرای کرام نیکوکار قرار دهد، و قرآن پناه اوست در قیامت و در محضر حق گوید: خداوندا هر عاملی اجر عملش را گرفت غیر از عامل به من، پس بهترین عطایای خود را به او برسان. پس خدای تعالی به او بیوشاند دو حله از حله‌های بهشتی و بر سر او تاج کرامت نهد. پس خطاب شود: آیا راضی شدی؟ قرآن عرض کند: من امید بیشتر داشتم پس امن و امان را به دست راست او دهند و حذر را به چپ. پس داخل بهشت شود و به او گفته شود قرائت کند و بالا بیا درجه‌ای پس به قرآن خطاب شود: آیا او را به مقامات رساندم و تو راضی شدی؟ عرض کند آری فرمود حضرت صادق -علیه السلام- که کسی که قرآن را بسیار قرائت کند و با او عهد تازه کند به مشقت کشیدن در حفظ آن، دو اجر به او عطا فرمایند و از این حدیث شریف معلوم می‌شود که مطلوب در تلاوت قرآن شریف آن است که در اعماق قلب انسان تأثیر کند. 27

و از آداب لازمه قرائت قرآن، که در تأثیر در قلوب سمت رُکنیت دارد و بدون آن هیچ عملی را قیمتی نیست، بلکه ضایع و باطل و موجب سخط الهی است، اخلاص است که سرمایه مقامات اخرویه و رأس المال تجارت آخرت است. در این باب نیز در اخبار اهل بیت (ع) سفارش بلیغ شده است از آن جمله آن است که جناب کلینی، حدیث کند: قاریان قرآن سه گروه‌اند: یکی آنان که قرائت قرآن را سرمایه معیشت اتخاذ نمودند و به واسطه آن از ملوک حقوق و شهریه گیرند و بر مردم تقدم جویند و دیگر، آنان که حفظ حروف و صورت قرآن کنند و تضييع حدود آن نمایند و او را پشت سر اندازند چنانچه سوار قدح خود را به پشت آویزد، خداوند زیاد نکند این قسم حمله قرآن را، و طایفه دیگر آنان هستند که قرآن را تلاوت کنند و با دواي قرآن دردهای قلب خود را علاج کنند. 28

از آداب قرائت، که موجب تأثیر در نفس نیز هست و سزاوار است که شخص قاری مواظبت آن کند، ترتیل در قرائت است و آن، به طوری که در حدیث است، عبارت است از حد توسط بین سرعت و تعجیل در آن و تأنی و فتور مفرط که کلمات از هم متفرق و منتشر گردد گوید پرسیدم از حضرت صادق سلام الله علیه از قول خدای تعالی که می‌فرماید: "و رتل القرآن ترتیلاً" فرمود یعنی اظهار کن آنرا اظهار کاملی و سرعت مکن در آن چنانچه در شعر سرعت می‌کنی و متفرق مکن اجزای آنرا چون ریگهای متفرق که اجزایش با هم ملتیم نشود، لیکن قرائت کنی که تأثیر در قلوب کند و دل‌های سخت شما را به فزع آورد و هم شما آخر سوره نباشد یعنی مقصود شما آن نباشد که قرآن را در چند روز ختم کنید و یا این سوره را به زودی ختم نموده و به آخر برسانید پس انسان که می‌خواهد کلام خدا را قرائت کند و به آیات الهیه قلب قاسی خود را مداوا کند و با کلام جامع الهی شفای امراض قلبیه خود را بگیرد و با نور هدایت این مصباح منیر غیبی و این نور را دریابد، باید اسباب ظاهریه و باطنیه آن را فراهم کند و آداب

صوریه و معنویه آن را فراهم کند، نه مثل آن که اگر گاهگاهی هم تلاوت قرآن کنیم، علاوه بر آن که از معانی و مقاصد آن و اوامر و نواهی و وعظ و زجر آن به کلی غافلیم، و گویی آیاتی که در آن ذکر اوصاف جهنم و عذاب الیم آن یا بهشت و کیفیات نعیم آن گردیده به ما ربطی ندارد و نعوذ بالله در خواندن کتاب قصه حضور قلب ما بیشتر و حواس ما جمع‌تر است از کتاب کریم خدایی - از آداب ظاهر آن نیز غفلت کنیم. 29

مطلوب در قرائت قرآن کریم آن است که درقلب صورت آن نقش بندد و اوامر و نواهی آن تأثیر کند، و دعوت آن جایگزین شود و این مطلوب حاصل نشود مگر آن که آداب قرائت ملحوظ شود مقصود از آداب آن نیست که پیش بعضی قراء متداول شده است که تمام همّ و همت منصرف به مخارج الفاظ و تادیه حروف شود بلکه مقصود آدابی است که در شریعت مطهره منظور شده است که اعظم و عمده آنها تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است. 30

یکی از آداب مهمه قرائت قرآن، که عارف و عامی در آن شرکت دارند، و از آن نتایج حسنه حاصل شود و موجب نورانیت قلب و حیات باطنی شود، "تعظیم" است/ و آن موقوف به فهم عظمت و بزرگی و جلالت و کبریای آن است. 31

ما همه قرآن شریف را می‌دانیم که از معدن وحی الهی برای تکمیل بشر و تخلیص انسان از محبس ظلمانی طبیعت و دنیا نازل شده است و وعده و وعید آن همه حق صراح و حقیقت ثابت است و در تمام مندرجات آن شایبه خلاف واقع نیست، با این وصف این کتاب بزرگ الهی در دل سخت ما به اندازه یک کتاب قصه تأثیر ندارد نه دلبستگی به وعده‌های آن داریم تا دل را از این دنیای دنی و نشئه فانیه برگیریم و به آن نشیه باقیه بر بندیم و نه خوفی از وعید آن به قلب ما حاصل آید تا از معاصی الهیه و مخالفت با ولی نعمت احتراز کنیم، این نیست جز آنکه حقیقت و حقیقت قرآن به قلب ما نرسیده و دل ما به آن نگرویده. 32

از حضرت رسول، صلی الله علیه و آله، روایت شده که هر که فاتحه الکتاب را قرائت کند، ثواب قرائت قرآن به او می‌دهند. و در روایت دیگر است که مثل آن است که تمام قرآن را قرائت نموده... از حذیفه بن یمان رضی الله عنه منقول است که حضرت رسول خدا (ص) فرمود، «خدای تعالی می‌فرستد عذاب حتم مقضی را برای قومی، پس قرائت کند بچه‌ای از بچه‌های آنها در کتاب: «الحمد لله رب العالمین» چون خدای تعالی می‌شنود چهل سال عذاب را از آنها مرتفع کند. و از ابن عباس منقول است که در حالی که ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، ناگاه فرشته‌ای آمد و گفت بشارت باد ترا دو نوری که به تو داده شده و به انبیای قبل از تو داده نشده آن دو نور فاتحه‌الکتاب و خواتیم سورة بقره است. [کسی] قرائت نکند هرگز حرفی از آن را مگر آنکه حاجت او می‌دهم. 33

آثار انس با قرآن

تلاوت قرآن در واقع زمانی مطلوب است که در اعماق قلب انسان تأثیر کند و باطن انسان صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملکه به مرتبه تحقق رسد و اشاره به این فرموده آنجا که می‌فرماید، جوان مؤمن اگر قرائت کند، قرآن در گوشت و خون او وارد شود. و این کنایه از آن است که صورت قرآن در قلب مستقر و جایگزین گردد به طوری که خود باطن انسان کلام الله مجید و قرآن حمید گردد به اندازه لیاقت و استعدادش. 34

کسی که خود را عادت داد به قرائت آیات و اسمای الهیه از کتاب تکوین و تدوین الهی، کم‌کم قلب او صورت ذکری و آیه‌ای به خود گیرد و باطن ذات محقق به ذکر الله و اسم الله و آیت الله شود. 35

فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو، حتی اگر شده با قرائت آن. و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکنی که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب محبوب است اگرچه عاشق و محب مفاد آنرا نداند و با این انگیزه حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. 36

جناب عارف بزرگوار و شیخ عالی مقدار ما می‌فرمودند که مواظبت بر آیات شریفه آخر سورة «حشر» از آیه شریفه «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد» تا آخر سورة مبارکه با تدبر در معنی آنها در تعقیب نمازها خصوصاً در اواخر شب که قلب فارغ البال است، خیلی مؤثر است در اصلاح نفس. 37

کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و کم کم به مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضاء و جوارح و قوای آن، آیه‌ای از آیات الهیه شود/ و شاید جزوات و جذبات خطابات الهیه او را از خود بیخود کند و حقیقت «اقرا و اصعد» را در همین عالم دریابد تا آن که کلام را بی‌واسطه از متکلمش بشنود و آنچه در وهم من و تو ناید آن شود. 39

منابع:

6. امام خمینی، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، 1371 ش.

7. امام خمینی، صحیفه نور، (مجموعه 22 جلدی) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

پاورقیها:

1- آداب الصلوة، ص 263-264

2- صحیفه نور، ج 19، ص 84

3- همان، ج 21، ص 170

- 4- آداب الصلوه، ص 193-194
- 5 - همان، ص 184-185
- 6- همان، ص 203
- 7- صحیفه نور، ج 12، ص 225
- 8- همان، ج 17، ص 252
- 9- همان، ج 19، ص 143
- 10- آداب الصلوه، ص 186
- 11- ولایت فقیه، ص 50
- 11- ولایت فقیه، ص 50
- 12- صحیفه نور، ج 2، ص 34
- 13- همان، ج 5، ص 16
- 14- همان، ج 18، ص 275
- 15- همان، ج 20، ص 82
- 16- همان، ج 14، ص 252
- 17- همان، ج 14، ص 252
- 18- همان، ج 21، ص 169
- 19- کشف الاسرار، ص 220
- 20- صحیفه نور، ج 1، ص 88
- 21- همان، ج 15، ص 184
- 22- آداب الصلوه، ص 195-197
- 23- همان. ص 199
- 24- همان، ص 201
- 25- همان، ص 202
- 26 - صحیفه نور، ج 12، ص 253
- 27 - چهل حدیث، ص 497-499
- 28 - همان، ص 3 و 5-500
- 29 - همان، ص 504-505
- 30 - همان، ص 499-500
- 31 - آداب الصلوه، ص 180-181
- 32 - شرح حدیث عقل و جهل، ص 61
- 33 - آداب الصلوه، ص 299-301
- 34 - چهل حدیث، ص 499
- 35 - آداب الصلوه، ص 216-217
- 36 - جلوه‌های رحمانی، ص 26
- 37 - چهل حدیث، ص 208
- 38 - همان، ص 500